

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حقوق زنان در اسلام منبع امنیت و آرامش است



(ترجمه)

مدتهاست که در سرزمین‌های عربی، تحسین و تشویق به تطبیق مفاهیم غربی و آنچه را که حقوق بشر و حقوق زن می‌نامند- به پیمانهای که در غرب از آن سخن گفته می‌شود- رو به افزایش است. برخی از مسلمانان به حدی تحت تأثیر این تحسین و تشویق‌ها قرار گرفته‌اند که بگونه‌ای خسته‌گی ناپذیر در تلاش‌اند تا در زمینه تطبیق این مفاهیم به جای برسند که غرب به آن رسیده است و به اصطلاح به ارزش‌ها و موازینی دست یابند که غرب به آن دست یافته است؛ غافل از این که آیا زن غربی توانسته الگو برای زندگی باشد؟ و آیا این حقوق ادعا شده، برای یک زن غربی توانسته آن را به بالا ترین درجات انسانی، که برایش امنیت و آرامش و زندگی با عزت را فراهم کند، برساند؟ آیا این حقوق احترام و قدردانی لازم را برای زنان پدید آورده است؟

در مورد حقوق زنان غربی به طور عموم، حقوقی که دولت‌های مزدور در سرزمین‌های اسلامی بر تعریف و توصیف آن‌ها گلوپاره می‌کنند و گمان می‌کنند که درجه اخلاقی این حقوق، مخصوصاً حقوق زن است که غرب را وادار نموده تا درین مورد به امور داخلی مسلمانان دخالت کند؛ چنانچه در یک جستجوی ساده در گوگل، در می‌یابیم که حادثات دردناک علیه زنان در غرب آمار وحشتناک و تکان دهنده بوده و این واقعیت بدلیل تبعیض نژادی جاهلیت گونه غیرقابل وصفی است که علیه زنان در جریان می‌باشد. اخبار و تحقیقات رسمی در مورد اهانت دردآوری که برای زنان در غرب به ابزار و وسایل گوناگون و به پست‌ترین شیوه صورت می‌گیرد و این را می‌رساند که زنان در غرب از هیچ آزادی برخوردار نبوده و به مثابه یک جسد بدون ارزش می‌باشند.

به طور نمونه: آخرین خبر را در این مورد شاهد می‌گیریم: «تحقیقات بریتانیایی "به گونه بسیار نگران کننده‌ای" از درصدی بالای در خصوص دخترها و زنان جوانی سخن می‌گوید که در جاده‌های عمومی احساس امنیت ندارند. انجمن "Garlgaedenig" طی تحقیقات انجام شده سالانه‌اش از ۲۰۰۰ دختر بریتانیایی که در سنین ۱۱-۲۱ قرار داشتند، این را واضح می‌سازد که نزدیک به دو سوم آن‌ها خود احساس امنیت نکرده و هریک از آن‌ها دختری را می‌شناختند که از رفتن تنها به خانه‌اش می‌ترسد. بیشتر از نصف این زنان جوان از آزار جنسی رنج برده و هریک از آن‌ها دختری را می‌شناختند که بر وی تجاوز جنسی صورت گرفته بود.» (منبع: بی بی سی)

بلی! این‌ها زنان غربی هستند و این حقوق آن‌ها در تمدن غرب می‌باشد. آمار یاد شده نیز به مثابه مشتکی از خروار است. چنانچه واقعیت زنان در غرب بر این تأکید دارد که این رفتار ظالمانه نسبت به زنان همان‌گونه که مدافعان غرب و ارزش‌های غربی "از فرزندان سرزمین‌های ما" ادعا می‌کنند، رفتار آن‌ها در شأن برخی از افراد نیست، بلکه این رفتارهای تمدنی می‌باشند و به همین دلیل است که ترسیدن دخترها و زنان جوان از عبور و مرور تنها در جاده‌های عمومی یک امر طبیعی می‌باشد. سبب این وضعیت مفاهیم آزادی می‌باشند که به جای ارزش‌های والایی که عزت و عفت برای زنان و همکاری میان زنان و مردان را در زندگی تضمین می‌نماید، قرار گرفته و تبدیل به ارزش‌ها شده است و از جمله‌ای آزادی شخصی می‌باشد؛ ارزش‌های منحرفی که باعث ایجاد عدم آرامش و ثبات در جامعه شده و رفتار مردان، زنان و کودکان را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ ساختار ایده‌آل خانواده را درهم زده، رابطه‌ای مادری، پدری، فرزندی و دیگر روابط خانوادگی را از بین برده است.

زنان و مردان در طبیعت بشری خود باهم یکسان می‌باشند و در عین حال در هر یک، ویژه‌گی‌های به خصوصی دیده می‌شوند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. بنابراین لازم است که قوانین و احکامی باشد تا روابط میان زن و مرد را تنظیم نماید و باید در این قوانین طبیعت بشری و تمایز هریک را مد نظر گرفت؛ اما نظام سرمایه‌داری این واقعیت واضح‌تر از آفتاب را نشناخته و اهمیت آن را در ک ننموده و به این ترتیب نتوانسته است که مطابق به این واقعیت قوانین را وضع نماید، بلکه نظام سرمایه‌داری در روابط میان زن و مرد صرف از ناحیه جنسی نگاه می‌کند و به دادن آزادی کامل برای زن، آن را تنها واقعیت مادی برای تحریک غریزه بقای نوع قرار داده است و از طرفی در زندگی غربی افکار جنسی در قصه‌ها، شعرها، مؤلفه‌ها و غیره بیش از حد می‌باشد.

در جامعه غربی در خانه‌ها، پارک‌ها، راه‌های عام، استخرها و دیگر مکان‌ها بدون کدام نیازی، اختلاط میان زنان و مردان وجود دارد؛ چون غربی‌ها این را یک امر ضروری دانسته و برای ایجاد آن تلاش می‌کنند و این جزء ترکیب و سبک زندگی آنان شده است. این واقعیت ناامن زن را زمینه‌ای برای آزار و اذیت‌ها و جرایم جنسی قرار داده است و از منزلت آن به اندازه‌ای قابل ملاحظه کاسته است که تحقیقات رسمی نگران کننده و ترسناک شاهد این واقعیت می‌باشد. حال سوال این است که این دعوتگران به سوی حقوق زن، به سبک زندگی غربی کجا و در چه دنیای قرار دارند؟

روی این ملحوظ، اسلام به زن منحیث یک انسان تعامل می‌کند و در روابط میان زن و مرد از ناحیه انسانی برای بقای نوع نگاه می‌کند، اسلام ارتباط جنسی میان زنان و مردان را تنها در دایره ازدواج و مالکیت کنیز، حصر نموده و هر رابطه‌ای جنسی دیگری که از این دایره بیرون باشد، جنایتی قرار داده است که انواع مجازات را در پی دارد و تمام روابطی که از مظاهر غریزه بقای نوع می‌باشد؛ مانند: رابطه پدری، مادری، فرزندی، برادری و روابط با کاکا، ماما، عمه و خاله را مجاز دانسته و در حوزه محارم قرار داده است. اسلام برای زن اجازه اشتغال ورزی را در حوزه تجارت، زراعت و صنعت داده است و از جمله حضور در جلسه تعلیم و تعلم، نماز، حمل دعوت وغیره را داده است.

اسلام زن را حیثیت و آبروی خوانده است که باید از آن محافظت شده و در راه حفظ آن خون‌ها و جان‌ها را مباح گردانیده و کسی را که بخاطر آن کشته شود، شهید خوانده است، حتی به دلیل اهانت بر یک زن و برای دفاع از آن اگر در دور افتاده‌ترین نقاط دنیا هم باشد، لشکرها را به حرکت در می‌آورد؛ کاری که معتصم بالله خلیفه مسلمین انجام داد و به دلیل تعرض به آبروی یک زن رسول الله صلی الله علیه وسلم قبیله بنی قینقاع را از مدینه جلای وطن نمود. خلافت اسلامی در طول تاریخ خود در تمام عصرها به وسیله تطبیق اسلام در زمنیه حقوق زنان نمونه‌ای می‌باشد که ناگزیر باید الگو گرفته شود.

بلی! این زن تمدن اسلامی می‌باشد و آن زن تمدن غربی، که کالای برای اشباع غرایز بوده و ماشینی برای تجارت و وضعیت است که بیگانه از انسانیت و فطرت و لای زن می‌باشد. اسلام به آن عزت داده و توسط مجازات‌های باز دارنده، از عفت آن پاسداری می‌کند؛ اما سرمایه‌داری آن را در ذلیل‌ترین واقعیت قرار داده و تحت نام آزادی‌ها از آن کالای ارزانی برای شهوت پرستان قرار داده است؛ آیا این زن و آن زن باهم برابراند؟!

بنابر این، بر یک زن مسلمان لازم است، از ادعاهای که آن را از اسلامش بیرون آورده و در دوزخ وحشتناک سرمایه‌داری وارد می‌کند، دست بردارد و یک زن مسلمان باید بداند که سرمایه‌داران استعمارگر از آزادی زنان جزء فساد آن‌ها چیزی دیگری نمی‌خواهند و هدف غرب در پشت این ادعاها، فاسدسازی جوامع اسلامی بوده تا بتواند برنامه‌های استعماری خود را آسان تر اجراء نماید. یک زن مسلمان باید برحذر از این باشد که روزی در پشت این ادعاهای حقوق زن، بر اساس موازین نظام سرمایه‌داری بایستد؛ نظامی که از هیچ فشاری علیه زنان دریغ ننموده است. یک زن مسلمان باید مکلفیت‌های شرعی خویش را دانسته و در رهبری جامعه و بیداری امت و تحقق تمدن اسلامی به وسیله برپایی دولت خلافت راشده برمنهج نبوت، پهلو به پهلو مردان نقش خود را داشته باشد تا این که مادر ما خدیجة الکبری، الخنساء، ام العماره، ام سلمه رضی الله عنهن و ارضاهن وغیره را الگوی خویش قرار داده و از جمله کسانی باشد که نام آن‌ها به مدادی از نور در تاریخ ثبت می‌باشد.

**برگرفته از جریده الراهه**

**نویسنده: استاد غاده عبدالجبار**

**7 صفر ۱۴۴۰ هـ.ق**

۱۷ اکتوبر ۲۰۱۸ م